



کووید-۱۹ و مدارهای سرمایه

راب والاس، الکس لیمن، لویس فرناندو شاو، رادریک والاس

ترجمه‌ی: نیکو پورورزان



کووید-۱۹ و مدارهای سرمایه

مجموعه‌ی نویسندگان:

**راب والاس، الکس لیمن،
لویس فرناندو شاوز، رادریک والاس**

ترجمه‌ی: نیکو پورورزان



انتشارات پروسه

فروردین ۱۳۹۹

یادداشت مترجم

مقاله حاضر همان طور که در یادداشت سردبیران ماهنامهء مانتلی ریویو نیز بدان اشاره شده، قرار است که در شمارهء ۱ از دورهء ۷۲ (مه ۲۰۲۰) به عنوان سرمقالهء نشریه منتشر شود. اما، به خاطر موقعیت زمانی و شدت یابی پاندمی کووید-۱۹، به ویژه در ایالات متحده، ناشر مبادرت به انتشار دیجیتالی این مقاله نموده است. به دلیل این که مقاله حاوی نقل قول ها و منابع بسیار زیاد بوده که در حجم وسیع زیرنویس ها نیز کاملاً مشهود است، سعی نمودم تا جایی که ممکن است از افزودن بر آن خودداری کنم. با این حال، در موارد معدود، زیرنویس هایی که من به متن اضافه کرده ام با (م) متمایز شده است. در ضمن لازم است که در یک مورد از توضیح ارزش مند آقای راب والاس که به امر ترجمه کمک نمود سپاس گذاری کنم.

آوریل ۲۰۲۰

نیکو پورورزان

یادداشت سردبیران مانتلی ریویو

مقاله‌ای را که اکنون در دست دارید در حقیقت مطلبی است که به عنوان سرمقالهء شمارهء ماه مه ۲۰۲۰ ماهنامه نوشته شده و در شمارهء مزبور نیز تحت همین عنوان منتشر خواهد شد. نسخهء چاپی مقاله طبعاً تاریخ امروز، یعنی ۲۷ مارس ۲۰۲۰ را خواهد داشت. این که ما این سرمقاله را بیش از یک ماه پیش از نشر شمارهء مزبور به طور دیجیتال منتشر می‌کنیم امری کاملاً بی‌سابقه بوده و خود گواهی است بر وضعیت اضطراری که در حال حاضر با آن مواجه هستیم. یادآوری این نکته لازم است که هنگام انتشار نسخهء چاپی این مقاله در شمارهء ماه مه، برخی به‌روز شده‌های جزیی ممکن است که به مقاله افزوده شود.

معرفی نویسندگان مقاله

راب والاس Rob Wallace یک واگیرشناس تکاملی است که به عنوان مشاور با سازمان کشاورزی و مواد غذایی^۱ و هم چنین با آژانس پیش گیری و کنترل بیماری های عفونی^۲ هم کاری نموده است. آلکس لیمن Alex Liebman کارشناس ارشد در رشته کشت شناسی که هم اکنون دورهء دکترا در زمینهء جغرافیای انسانی را در دانشگاه راتگرز^۳ می گذراند. لوییس فرناندو شاوز Luis Fernando Chaves بوم شناس امراض و پژوهش گر ارشد در انستیتوی پژوهش و آموزش تغذیه و بهداشت در شهر تره ریوس در کاستا ریکا می باشد. رادریک والاس Rodrick Wallace دانشمند پژوهش گری در بخش واگیرشناسی در انستیتوی روان پزشکی دانشگاه کلمبیا در ایالات نیویورک است. نویسندگان مقاله از تذکرات به جا و با ارزش کنیچی اکاموتو^۴ سپاس گزارند.

^۱ Food and Agriculture Organization

^۲ Centers for Disease Control and Prevention (CDC)

^۳ Rutgers University

^۴ Kenichi Okamoto

بیماری کووید-۱۹ که توسط ویروس کرونای SARS-CoV-۲، دومین نوع از این ویروس از سال ۲۰۰۲ به این سو که موجب عارضهء تنفسی شدیداً حاد می‌شود، اکنون رسماً به مرحلهء همه‌گیری جهانی رسیده است. از اواخر ماه مارس، شهرهای بسیاری در سراسر جهان یکی پس از دیگری به طور کامل در جا بسته شده، و بیمارستان‌های بسیاری به دلیل هجوم بیش از پیش بیماران دچار انسداد پزشکی شده به طوری که دیگر فاقد توان مداوا و مراقبت از این تعداد بیمار هستند.

در عوض، چین که محل اولیهء شیوع این بیماری بود به نظر می‌رسد که اکنون اندکی آسان‌تر نفس می‌کشد.^۵ کرهء جنوبی و سنگاپور نیز همین گونه به نظر می‌رسند. اما، اروپا، به ویژه ایتالیا و اسپانیا، و البته کشورهای دیگر اروپایی نیز به طور روزافزونی در زیر بار سنگین ناشی از مرگ-و-میر بی‌سابقه در همان روزهای اول شیوع این بیماری پیشاپیش به زانو درآمده‌اند. اما، در آمریکای لاتین و آفریقا که موارد این بیماری تازه شروع به ازدیاد نموده، این گونه به نظر می‌رسد که برخی از کشورها شاید بهتر از دیگران برای رویارویی با این بلا آماده باشند. در ایالات متحده، که مدال پیش‌آهنگی ثروتمندترین کشور در تاریخ جهان را به سینه زده، آینده، لااقل در کوتاه مدت، به شدت تیره-و-تار به نظر می‌رسد. اگرچه به نظر می‌رسد که برای رسیدن به اوج شیوع بیماری باید تا ماه مه منتظر ماند، اما از هم اکنون کارمندان بخش پزشکی و مراجعین به بیمارستان‌ها برای دسترسی به عرضهء محدود وسایل حفاظت شخصی دست به گریبان شده‌اند.^۶ پرستاران که آژانس پیش‌گیری و کنترل بیماری‌های عفونی به آن‌ها توصیه نموده که از دستمال

^۵ Max Roser, Hannah Ritchie, and Esteban Ortiz-Ospina, "Coronavirus Disease (COVID-19)—Statistics and Research," *Our World in Data*, accessed March 22, 2020.

^۶ Brian M. Rosenthal, Joseph Goldstein, and Michael Rothfeld, "Coronavirus in N.Y.: 'Deluge' of Cases Begins Hitting Hospitals," *New York Times*, March 20, 2020.

سر و شال گردن به عنوان ماسک صورت استفاده کنند، پیشاپیش اعلام نموده‌اند که "سیستم [پزشکی ایالات متحده] محکوم به فناست."^۷

در عین حال، حکومت ایالات متحده برای دسترسی به وسایل اولیه پزشکی که در بدو امر از خریدن‌اش خودداری کرده بود اکنون روی دست ایالت‌هایی که شدیداً بدان نیاز دارند بلند می‌شود. در عین حال، حکومت بستن مرزها را به عنوان گامی در به اصطلاح حفظ بهداشت عمومی اعلام نموده، در حالی که ویروس به دلیل عدم آمادگی نظام پزشکی به راحتی در سراسر کشور بیداد می‌کند.^۸

یک تیم واگیرشناسی در کالج امپریال پیش‌بینی نموده است که حتّاً در شرایطی که کارزار کاستن از شدت شیوع ویروس به نحو احسن انجام شده باشد – یعنی با قرنطینه کردن تمامی موارد شناسایی شده و ایزوله نمودن سال‌مندان توانسته باشیم که شیب نمودار تراکمی موارد ابتلا را به صفر رسانده یا به عبارت ساده‌تر، منحنی را به شکل خط راست در آورده باشیم – کماکان ۱/۱ میلیون نفر مرده روی دست ایالات متحده خواهد ماند و تعداد بیماران نیازمند به مراقبت‌های ویژه به هشت برابر ظرفیت موجود کشور خواهد رسید.^۹ از سوی دیگر، اتخاذ سیاست سرکوبی بیماری به منظور پایان دادن به شیوع ویروس، سازمان بهداشت عمومی را به شکل باز هم بیشتری به سمت قرنطینه‌ء مدل چینی سوق خواهد داد، که نه تنها افراد مبتلا بلکه تمامی افراد خانواده نیز قرنطینه شده و بخش‌های بزرگی از جمعیت ایزوله شده و تمامی نهادهای به تعطیلی کشانده خواهند شد. تحت چنین سناریویی نیز تعداد تلفات در ایالات متحده به رقمی بالغ بر دویست هزار نفر تخمین زده می‌شود.

^۷ Hannah Rappleye, Andrew W. Lehren, Laura Stricklet, and Sarah Fitzpatrick, "The System Is Doomed': Doctors, Nurses, Sound off in NBC News Coronavirus Survey," *NBC News*, March 20, 2020.

^۸ Eliza Relman, "The Federal Government Outbid States on Critical Coronavirus Supplies After Trump Told Governors to Get Their Own Medical Equipment," *Business Insider*, March 20, 2020; David Oliver, "Trump Announces U.S.-Mexico Border Closure to Stem Spread of Coronavirus," *USA Today*, March 19, 2020.

^۹ Neil M. Ferguson et al. on behalf of the Imperial College COVID-19 Response Team, "Impact of Non-Pharmaceutical Interventions (NPIs) to Reduce COVID-19 Mortality and Healthcare Demand," March 16, 2020.

بنا به ارزیابی‌های این تیم، کارزار موفق در سرکوبی بیماری بایستی به مدت هژده ماه ادامه داشته باشد، امری که به خاطر منقبض نمودن اقتصاد هزینه سنگینی را به دنبال داشته و باعث فروپاشی سیستم خدمات عمومی خواهد شد. بر اساس پیش‌نهاد تیم امپریال کالج، برای ایجاد موازنه میان تحمیل‌های وارده از سوی بیماری از یک سو و چرخه اقتصادی از سوی دیگر، بهترین کار گویا این است که قرنطینه مناطق مختلف را متناوباً و به ازاء تعداد تخت‌های مراقبت‌های ویژه اشغال شده اعمال شود.

البته، هستند مدل-سازان دیگری که با نظرات ارایه شده از سوی تیم امپریال کالج مخالفت نموده‌اند. مثلاً، گروهی تحت هدایت نسیم طالب، نویسنده مشهور کتاب *قوی سیاه*، بر این باور است که مدل تیم امپریال کالج دارای یک نقیصه مهم بوده و آن این است که این مدل فاکتور مربوط به پیدا کردن تمامی تماس‌های [افراد مبتلا] و پاییدن‌های خانه-به-خانه را کاملاً نادیده گرفته است.^{۱۰} اما، نکته مهمی که در ابراز مخالفت خود این گروه نادیده گرفته شده این است که شیوع این ویروس در حال حاضر در بسیاری جاها به آن چنان مرحله‌ای رسیده که حتّا اگر که حکومت‌ها نیز تمایلی برای اتخاذ چنین معیاری داشته باشند، در شرایط فعلی نتیجه چندانی نخواهد داشت. این کشورها تنها زمانی می‌توانند کاربست چنین معیاری را مدّ نظر قرار دهند که شیوع ویروس شروع به فروکش نموده باشد، که البته در چنان شرایط مفروضی نیز باید با استفاده از روش‌های دقیق آزمایش افراد با به کارگیری کارافزارهای مناسب آزمایشی همراه باشد. در این مورد فردی نکته جالبی را به عنوان شوخی گفته بود که: "ویروس کرونا بیش از حد رادیکال است. ایالات متحده به یک ویروس مُدره‌تر نیاز دارد تا بتواند در برابر آن به طور گام-به-گام اقدام کند."^{۱۱}

تیم نسیم طالب به این نکته نیز اشاره می‌کند که تیم امپریال کالج شرایطی را که تحت آن بتوان ویروس را به مرز نابودی کشاند بررسی نمی‌کند. البته، این ریشه‌کنی به این معنا نیست که تعداد

^{۱۰} Nassim Nicholas Taleb, *The Black Swan* (New York: Random House, 2007); Chen Shen, Nassim Nicholas Taleb, and Yaneer Bar-Yam, "Review of Ferguson et al. 'Impact of Non-Pharmaceutical Interventions,'" *New England Complex Systems Institute*, March 17, 2020.

^{۱۱} NewTmrw, Twitter post, March 21, 2020.

موارد به صفر رسیده، بلکه به اندازه‌ای کاهش می‌یابد که موارد آلودگی آن قدر اندک و منفرد بوده که قادر به ایجاد رشته‌های تازه‌ای از عفونت نخواهد شد. بر اساس تجربه چین، تنها پنج درصد از آن‌هایی که در ارتباط با یک فرد بیمار قرار گرفته بودند در نتیجه به این بیماری مبتلا شدند. بنابراین، به نظر می‌رسد که تیم نسیم طالب مدافع طرحی باشد که چین برای سرکوبی بیماری اجرا نموده، یعنی این که باید با تمام توان و سرعت ممکن برای از میان بودن شیوع ویروس وارد میدان شد بدون آن که بخواهیم میان دغدغه کنترل بیماری از یک سو و از دیگر سو نگرانی کمبود نیروی کار برای چرخش اقتصاد کشور دائماً دچار نوسان بود. به عبارت دیگر، رویکرد سخت‌گیرانه (و منابع -بر) چین توانست جمعیت کشور را از وارد شدن به ماه‌ها (و یا حتی یک سال) انزوا به دور نگاه دارد، یعنی دقیقاً بر عکس آن روشی که توصیه تیم امپریال کالج به کشورهای دیگر است.

اما، رابرت والاس، یکی از نویسندگان همین مقاله، که خود متخصص روش‌های ریاضی در واگیرشناسی است صورت مسئله را به طور کامل تغییر می‌دهد. در مدل‌سازی فوریت‌های پزشکی، به نظر می‌رسد که یک نکته بسیار ضروری که کمی و از کجا باید شروع کرد همواره از قلم می‌افتد. عوامل ساختاری همواره بخش مهمی از این فوریت‌ها را تشکیل می‌دهند. در نظر گرفتن این گونه عوامل به ما کمک می‌کند که تا بتوانیم بهترین پاسخ را برای به جلو رفتن بیابیم بدون آن که بخواهیم صرفاً دغدغه بازگشایی همان اقتصادی را داشته باشیم که این مشکل را آفریده است. والاس در جای دیگری نوشته که "اگر منابع کافی در اختیار مأمورین آتش‌نشانی گذاشته شود،"

در شرایط نرمال، اکثریت آتش‌سوزی‌ها را در اکثر موارد می‌توان با حداقل خسارت و نابودی مایملک مهار نمود. اما، مهار به موقع آتش‌سوزی به میزان بسیار زیادی به اقدام دیگری بستگی دارد که اگرچه به هیچ وجه هم‌چون کار مأمورین آتش‌نشانی پُرماجرا نبوده، اما بدون هیچ تردیدی به همان اندازه مهم است. این اقدام عبارت از تلاش‌های پایدار و مداوم برای تنظیم مقررات لازم جهت محدود ساختن خطرات بالقوه در طراحی ساختمان

از طریق تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌های ایمنی و حفاظتی و به اجرا گذاشتن آن‌ها است. به علاوه، منابع لازم برای مهار آتش‌سوزی، بهداشت، و حفظ-و-نگهداری ساختمان‌ها باید به میزان مورد نیاز در اختیار همه قرار بگیرد ...

این موضوع عیناً در مورد بیماری‌های همه‌گیر کشنده نیز صدق می‌کند. اگر حقیقتاً خواهان پیش‌گیری از بروز آن‌ها در آینده نزدیک هستیم باید پیش‌زمینه‌هایی را که برای همه-گیری بیماری‌های عفونی مناسب بوده، و هم چنین ساختارهای سیاسی موجود را که به شرکت‌های کشاورزی چند-ملیتی اجازه می‌دهد که سود را خصوصی ساخته در حالی که هزینه‌ها را بیرونی نموده و در کل جامعه سرشکن می‌کند مجبور به "اجرای قوانینی" بنماییم که هزینه‌ها را نیز تماماً به دوش همان شرکت‌ها می‌گذارد.^{۱۲}

بر خلاف آن چه که ممکن است تصور شود، عدم آمادگی کشورهای جهان برای انجام اقدامات لازم جهت رویارویی با شیوع این ویروس صرفاً در ماه دسامبر و پس از پدیداری کووید-۱۹ در ووهن آغاز نشد. یا به عنوان مثال، علت عدم آمادگی ایالات متحده به خاطر انحلال تیم واکنش به پدیداری بیماری‌های همه‌گیر (وابسته به شورای امنیت ملی کاخ سفید) از سوی داندل ترامپ نبوده است. امتناع داندل ترامپ از پُر کردن بیش از هفتصد پُست خالی در آژانس پیش‌گیری و کنترل بیماری‌های عفونی را نیز نمی‌توان به عنوان دلیلی برای عدم آمادگی ایالات متحده ذکر نمود.^{۱۳} حتّٰی بی‌عملی آشکار حکومت فدرال پس از برگزاری شبیه‌سازی بیماری‌های همه‌گیر در سال ۲۰۱۷ و مشاهده نتایج آن که به وضوح حاکی از عدم آمادگی وسیع کشور در قبال شیوع این گونه بیماری‌ها بود را نیز نمی‌توان به عنوان نقطه‌ء آغاز این عدم آمادگی در نظر گرفت.^{۱۴} حتّٰی سرتیتر خبری رویت‌ر مبنی بر این که ایالات متحده "تنها چند ماه پیش از شیوع ویروس [در ووهن چین] پُست کارشناسان سی دی سی مستقر در کشور چین را حذف کرده بود" نیز نمی‌توان دلیل این امر دانست. اگرچه، عدم حضور و ارتباط مستقیم و به موقع یک کارشناس ایالات متحده در

^{۱۲} Rodrick Wallace, "Pandemic Firefighting vs. Pandemic Fire Prevention" (unpublished manuscript, March 20, 2020). Available upon request.

^{۱۳} Jonathan Allen, "Trump's Not Worried About Coronavirus: But His Scientists Are," *NBC News*, February 26, 2020; Deb Riechmann, "Trump Disbanded NSC Pandemic Unit That Experts Had Praised," *AP News*, March 14, 2020.

^{۱۴} David E. Sanger, Eric Lipton, Eileen Sullivan, and Michael Crowley, "Before Virus Outbreak, a Cascade of Warnings Went Unheeded," *New York Times*, March 19, 2020.

محل، بی‌شک به توان ایالات متحده برای سازمان‌دهی به یک واکنش مناسب در زمان مناسب لطومات جدی وارد ساخت. حتّا تصمیم نابخردانهء مسئولین در عدم استفاده از کارافزارهای تست ویروس که از سوی سازمان بهداشت جهانی فرستاده شده بود نیز علت این امر نمی‌تواند باشد. البته، بدون هیچ شبهه‌ای، تأخیر در کسب داده‌های اولیه و از دست دادن فرصت‌های بسیار ذی-قیمت برای تست جمعیت، در مجموع مسئّل جان احتمالاً هزاران نفر خواهد بود.^{۱۵}

به واقع، این کاستی‌ها و کوتاهی‌ها، دهه‌ها پیش‌تر از این و هنگامی در برنامه گنجانده شد که نظام بهداشت عمومی مورد بی‌توجهی وسیع قرار گرفته و هم‌زمان تجاری کردن و خصوصی‌سازی نظام پزشکی و بهداشتی کشور در دستور کار قرار گرفت.^{۱۶} کشوری که در چنبرهء یک سیستم واگیرشناسی به اصطلاح صرفاً-سر-وقت^{۱۷} گرفتار بوده و تعداد تخت‌های بیمارستانی آن به زحمت کفاف نیازهای روزانه‌اش را می‌دهد، در اساس توان سازمان دادن منابع مورد نیاز برای پیش‌برد سرکوبی یک بیماری واگیردار به سبک چین را نخواهد داشت.

لوییس فرناندو شاوز، یکی دیگر از نویسندگان این مقاله، در پی‌گیری یکی از نکاتی که تیم نسیم طالب در مورد استراتژی‌های الگوسازی مطرح ساخته، با استناد به دو زیست‌شناس دیالکتیکی، ریچارد لونس و ریچارد لوآنتن، به بیان سیاسی آشکارتری تأکید می‌کند که به اصطلاح سیاست "بگذاریم که اعداد سخن بگویند" چیزی جز پرده‌پوشی تمامی گمانه‌های پیش‌تر گفته شده نیست.^{۱۸} واقعیت این است که الگوهایی نظیر آن چه که گروه مطالعاتی امپریال کالج پیش نهاده، حوزهء ارزیابی را به شکل واضحی صرفاً به پرسش‌هایی محدود می‌سازد که در چارچوب‌های بسیار تنگ نظم موجود اجتماعی طراحی شده‌اند. این گونه الگوها، طبیعتاً قادر نخواهند بود که نیروهای

^{۱۵} Marisa Taylor, "Exclusive: U.S. Axed CDC Expert Job in China Months Before Virus Outbreak," *Reuters*, March 22, ۲۰۲۰.

^{۱۶} Howard Waitzkin, ed., *Health Care Under the Knife: Moving Beyond Capitalism for Our Health* (New York: Monthly Review Press, 2018).

^{۱۷} just-in-time

^{۱۸} Richard Lewontin and Richard Levins, "Let the Numbers Speak," *International Journal of Health Services* 30, no. 4 (2000): 873-77.

وسیع‌تر بازار را که باعث شیوع چنین امراضی هستند در نظر گرفته و تصمیم‌های سیاسی لازم جهت مداخله را پیش‌نهاد نمایند.

این چنین برآوردهایی، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه، بهداشت همگانی را، به ویژه برای هزاران هزار نفری که به شدت آسیب‌پذیر بوده و در زمره نخستین قربانیان سیاست نوسان میان کنترل بیماری و دوام چرخه اقتصاد قرار دارند، در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌دهد. نظریه فوکویی^{۱۹} دایر بر تصمیم‌گیری یک کشور در مورد جامعه بر اساس منافع [اقتصادی] خویش، تنها بیان‌گر نوع به-روز شده تلاش مالتوسی، ولو این که از سر خوش-طینتی، برای ایجاد به اصطلاح مصونیت جمعی^{۲۰} است که حکومت محافظه‌کار بریتانیا و هم چنین هلند پیش‌نهاد نموده‌اند.^{۲۱} پیرامون این نظر که مصونیت جمعی ضامن توقف شیوع ویروس است، به جز امیدواری ایدئولوژیک، شواهد علمی چندانی در دست نیست. کاملاً محتمل است که ویروس از زیر چتر به اصطلاح مصونیت جمعی به سادگی جهش نموده و به سرعت گسترش یابد.

^{۱۹} Foucaultian یا Foucauldian – مرتبط به فلسفه پل-میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی

^{۲۰} به اصطلاح herd immunity، یعنی ویروس را برای شیوع در میان کل جامعه بدون کنترل رها نمود.

^{۲۱} Owen Matthews, "Britain Drops Its Go-It-Alone Approach to Coronavirus," *Foreign Policy*, March 17, 2020; Rob Wallace, "Pandemic Strike," *Uneven Earth*, March 16, 2020; Isabel Frey, "'Herd Immunity' Is Epidemiological Neoliberalism," *Quarantimes*, March 19, 2020.

البته، حکومت بوریس جانسن، نخست‌وزیر بریتانیا، بعداً این تصمیم را کنار گذاشته و با پیوستن به بقیه کشورهای اروپایی برنامه کنترل فعال ویروس را در دستور کار قرار داد. لازم به ذکر است که مدت کوتاهی پس از این تصمیم‌گیری، بوریس جانسن خود نیز بعد از نشان دادن علائم بیماری کووید-۱۹ و مثبت بودن تست به قرنطینه رفته و سپس به علت وخامت وضعیت جسمی‌اش روانه بیمارستان شده و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری گردید. (م)

پرسش این است که چه باید کرد؟ نخست، باید این نکته را به یاد داشته باشیم که برای مقابله با این چنین فوریت پزشکی به روش صحیح، هم‌زمان با دو مسئله ضرورت و خطر درگیر خواهیم بود.

برای مقابله با همه‌گیری، نیاز به ملی کردن بیمارستان‌هاست، کاری که اسپانیا انجام داد.^{۲۲} نیاز بعدی، انجام آزمایش افراد با سرعت و در مقیاس وسیع و یافتن نتیجه آزمایش در اسرع وقت است، کاری که سنگال انجام داد.^{۲۳} اجتماعی کردن داروسازی‌ها یکی دیگر از نیازهاست.^{۲۴} به منظور کُند کردن روند فرسایش نیروی کار در بخش پزشکی، اعمال اقدامات حفاظتی حداکثر برای حفظ کارکنان این بخش اکیداً ضروری است. باید به بیمارستان‌ها و دیگر نهادهای پزشکی حق تعمیر دستگاه‌های تنفس مصنوعی و دیگر ابزار پزشکی داده شود.^{۲۵} باید به سرعت به تولید انبوه کوکتل‌های ضد-ویروسی مانند رِم‌دسی‌ویر^{۲۶} و داروی ضد-مالاریای کلروکواین^{۲۷} (یا هر داروی دیگری که ممکن است مؤثر به نظر برسد) پرداخته، و در عین حال آزمایش‌های بالینی برای تعیین تأثیر این داروها را به دقت انجام داد.^{۲۸} ایجاد یک ساز-و-کار برنامه‌ریزی از ملزومات است که تا بتوان:

۱. کمپانی‌ها را مجبور به تولید دستگاه تنفس مصنوعی و ابزار حفاظت فردی نمود که به شدت مورد نیاز کارکنان بخش پزشکی است؛

^{۲۲} Adam Payne, "Spain Has Nationalized All of Its Private Hospitals as the Country Goes into Coronavirus Lockdown," *Business Insider*, March 16, 2020.

^{۲۳} Jeva Lange, "Senegal Is Reportedly Turning Coronavirus Tests Around 'within 4 Hours' While Americans Might Wait a Week," *Yahoo News*, March 12, 2020.

^{۲۴} Steph Sterling and Julie Margetta Morgan, *New Rules for the 21st Century: Corporate Power, Public Power, and the Future of Prescription Drug Policy in the United States* (New York: Roosevelt Institute, 2019).

^{۲۵} Jason Koebler, "Hospitals Need to Repair Ventilators: Manufacturers Are Making That Impossible," *Vice*, March 18, 2020.

^{۲۶} remdesivir

hydroxychloroquine sulphate و chloroquine phosphate^{۲۷}

^{۲۸} Manli Wang et al., "Remdesivir and Chloroquine Effectively Inhibit the Recently Emerged Novel Coronavirus (2019-nCoV) In Vitro," *Cell Research* 30 (2020): 269–71.

۲. مناطقی را که بیش از جاهای دیگر نیازمند دریافت کمک هستند شناسایی نموده و در اولویت قرار داد.

باید گردان‌های ویژه پاندمی را برای فراهم ساختن نیروی کار مورد نیاز - از کار پژوهشی گرفته تا مراقبت‌های پزشکی و غیره - سازمان‌دهی نمود که تا بتوان پاسخ‌گوی سطح نیازمندی‌هایی بود که شیوع ویروس (و یا هر عامل عفونی دیگر) بر کل جامعه تحمیل می‌کند. برای غلبه بر کمبودهای جاری، مطلقاً ضروری است که تعداد بیمارانی را که نیاز به مراقبت‌های فوری دارند با تعداد تخت مراقبت‌های ویژه، پرسنل، و ابزار مورد نیاز هماهنگ ساخت. به عبارت دیگر، نباید به این ایده گردن نهاده که گویا فعلاً باید خود را زیر حملات هوایی کووید-۱۹ حفظ نمود تا بعداً برای پایین آوردن سطح واگیری به دنبال افراد مشکوک گشته و به جداسازی آن‌ها اقدام نمود. بلافاصله باید نیروی انسانی لازم را به کار گرفت و آن‌ها را با ابزار ایمنی لازم، مانند ماسک، مجهز نمود تا خانه-به-خانه به دنبال یافتن بیماران کووید-۱۹ بروند. در عین حال و به موازات تمامی این اقدامات، ضروری است که نظام موجود اجتماعی مبتنی بر اجحاف، از مالکین گرفته تا اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای دیگر، را متوقف ساخت تا مردم بتوانند هم از دست ویروس و هم از راه‌کارها جان سالم به در برند.

اما، تا پیش از آن که چنین تمهیداتی به مرحله اجرا درآید اکثریت جامعه به طور عمده به حال خود رها خواهند بود. در عین حالی که باید فشار بر روی حکومت‌های سرسخت را دائماً از پایین اعمال نمود، مردم عادی، اما، بنا به سنت سازمان‌یابی پرولتاریایی که سابقه‌اش به ۱۵۰ سال پیش برگشته و به نظر فراموش شده می‌رسد، باید تا آن جا که می‌توانند به گروه‌های امداد داوطلبانه و بریگادهای محلات بپیوندند.^{۲۹} در صورتی که اتحادیه‌های صنفی مجاز بدانند، باید برخی از متخصصین بخش بهداشت عمومی را به آموزش این گروه‌ها در نحوه پیشگیری از پخش ویروس تخصیص داد.

^{۲۹} "Autonomous Groups Are Mobilizing Mutual Aid Initiatives to Combat the Coronavirus," *It's Going Down*, March ۲۰, ۲۰۲۰.

پافشاری بر وارد ساختن ریشه‌های ساختاری ویروس در برنامه‌ریزی فوریت‌های پزشکی به این خاطر است که بلافاصله فرصت‌های لازم را برای ما فراهم می‌سازد تا با مهارت تمام بتوانیم در هر گامی حفاظت عمومی را در برابر سودجویی در اولویت قرار دهیم.

توصیف‌های ناهنجاری که در مورد عارضه‌های بیماری کووید-۱۹ عنوان می‌شود یکی از خطرات عادی‌سازی "حماقت شدیدی"^{۳۰} است که در حال حاضر در جریان است – به اصطلاح این که گفته می‌شود که گویا فضله خفاش وارد ریه بیماران شده است. در این رابطه، ضروری است که بتوانیم ضربه روحی ناشی از آگاهی یافتن از این امر را که ویروس دیگری از نوع ویروس سارس از مخفی‌گاه‌های‌اش در حیات وحش بیرون زده و در مدت هشت هفته توانسته بر سر تمامی بشریت ببارد را کنترل کنیم.^{۳۱} این ویروس ابتدا در یک پایانه عرضه خوراکی‌های نامعمول منطقه‌ای پدیدار شده و سپس در این مسیر زنجیره انتقال انسان-به-انسان را در شهر ووهن کشور چین به طور موفقیت آمیزی برقرار ساخت.^{۳۲} از آن جا به بعد، ویروس هم در محل به شکل وسیعی شروع به شیوع نموده و هم سوار بر هواپیما و ترن از خلال شبکه وسیعی از ارتباطات در اقصی نقاط جهان گسترش یافت.^{۳۳}

متأسفانه، به جز توضیحات سرسری از بازار فروش حیوانات وحشی، آن هم به سبک -و- سیاق معمول شرق-شیوه‌گی، تا به امروز تلاش چندانی برای پرداختن به بدیهی‌ترین پرسش‌ها صورت نگرفته است. از جمله این پرسش که بخش خوراکی‌های نامعمول چگونه توانست به جایگاهی وارد شود که بتواند در آن جا اجناس خود را در کنار احشام سنتی‌تر در بزرگ‌ترین بازار ووهن بفروشد؟ این حیوانات وحشی که در پشت یک کامیون و یا در پس‌کوچه‌ای به طور محرمانه به فروش نمی‌رسیدند. بنابراین، مسایل بسیار دیگری مانند جواز کسب، پرداخت هزینه‌ها، و مالیات

^{۳۰} نویسندگان مقاله از اصطلاح "batshit crazy" استفاده نموده‌اند. واژه batshit یک اصطلاح عامیانه است که به عنوان دیوانه و یا چیز بی‌ارزش بوده، و هم چنین به عنوان تأکید و یا تشدید کننده با واژه‌هایی نظیر insane, crazy به کار برده می‌شود. به نظر می‌رسد که نظر نویسندگان مقاله در این جا شباهت لفظی این اصطلاح عامیانه با bat shit (فضله خفاش) باشد.

^{۳۱} Kristian G. Andersen, Andrew Rambaut, W. Ian Lipkin, Edward C. Holmes, and Robert F. Garry, "The Proximal Origin of SARS-CoV-2," *Nature Medicine* (2020).

^{۳۲} Rob Wallace, "Notes on a Novel Coronavirus," *MR Online*, January 29, 2020.

^{۳۳} Marius Gilbert et al., "Preparedness and Vulnerability of African Countries Against Importations of COVID-19: A Modelling Study," *Lancet* 395, no. 10227 (2020): 871-77.

و غیره (و سیاست آزاد گذاری) بلافاصله به ذهن خطور می‌کند.^{۳۴} بخش خوراک وحش به طور فزاینده‌ای به یک بخش موجه اقتصادی در سراسر جهان تبدیل شده، و سرمایه‌گذاری در این بخش دقیقاً توسط همان منابعی صورت می‌گیرد که مدافع تولید صنعتی [در رشته کشاورزی، دامداری و ماکیان] هستند.^{۳۵} اگرچه خوراک وحش از نظر میزان برون‌داد هنوز با دیگر بخش‌ها قابل مقایسه نیست، اما تمایز میان این بخش‌ها بسیار کم رنگ‌تر شده است.

تداخل جغرافیای اقتصادی این بخش‌ها محدود به بازار ووهن نبوده، بلکه بسا فراتر رفته و به مناطق دورافتاده‌ای می‌رسد که خوراک سنتی و خوراک وحش در کنار هم در مجاورت مناطق بکری پرورش می‌یابند که در حال انقباض است.^{۳۶} در حالی که تولید صنعتی به طور بی‌وقفه به آخرین بقایای جنگل‌ها دست‌اندازی می‌کند، بخش خوراک وحش یا باید هر چه بیشتر به سمت پرورش حیوانات وحشی روی آورده و یا این که به آخرین بقایای جنگل‌ها یورش ببرد. در نتیجه، نامعمول‌ترین عوامل بیماری‌زا، در این مورد خاص سارس-۲ به میزبانی خفاش، یا از طریق حیوانات دیگر و یا از طریق کارگران کشاورزی شاغل در محل راه خویش را به داخل کامیون حمل-و-نقل حیوانات یافته و بدین ترتیب به سرعت سراسر مدار طولانی شهروستایی^{۳۷} را فرا گرفته پیش از آن که در تمام جهان پخش شوند.

^{۳۴} Juanjuan Sun, "The Regulation of 'Novel Food' in China: The Tendency of Deregulation," *European Food and Feed Law Review* 10, no. 6 (2015): 442-48.

^{۳۵} Emma G. E. Brooks, Scott I. Robertson, and Diana J. Bell, "The Conservation Impact of Commercial Wildlife Farming of Porcupines in Vietnam," *Biological Conservation* 143, no. 11 (2010): 2808-14.

^{۳۶} Mindi Schneider, "Wasting the Rural: Meat, Manure, and the Politics of Agro Industrialization in Contemporary China," *Geoforum* 78 (2017): 89-97.

^{۳۷} periurban، منطقه‌ای که در پروسه رشد ناهنجار شهری در مناطق غیر شهری به وجود آمده و غالباً از بافتی ناهم‌جور برخوردار است. (م)

برخی از عامل‌های بیماری‌زا درست در مرکز تولید پدیدار می‌شوند. در این مورد باکتری‌های غذازاد مانند سالمونلا^{۳۸} و کمپیلوباکتر^{۳۹} را می‌توان مثال زد. اما، خاستگاه بسیاری از این عوامل مانند عامل بیماری کووید-۱۹ در کرانه‌های تولید سرمایه‌داری جا دارد. در حقیقت، دست‌کم شصت درصد از عامل‌های بیماری‌زای انسانی از طریق سرایت از حیوانات وحشی به جوامع انسانی بومی پدیدار می‌شوند (یعنی نخستین مرحله پیش از آن که موفق‌ترین این عوامل بتواند در سراسر جهان پخش گردد).^{۴۰}

تعدادی از شخصیت‌های معروف^{۴۱} در زمینه بوم‌شناسی بهداشت انسانی با استفاده از داده‌های تاریخی پیرامون شیوع بیماری‌ها از سال ۱۹۴۰ به این سو، نقشه‌ای از جهان را تولید نموده‌اند که در آن مناطقی که احتمال بروز عوامل بیماری‌زا در آن‌ها در آینده وجود دارد مشخص شده است.^{۴۲} در این نقشه، مناطق مختلف با رنگ‌های مختلف از یک-دیگر متمایز بوده و هر اندازه که رنگ یک منطقه تندتر باشد به معنی آن است که امکان بروز عامل بیماری‌زا در آن جا بیشتر خواهد بود. اما، در ساختن این گونه‌گیتی‌شناسی مطلق، نقشه‌ای که تیم مزبور ارایه نموده – و در آن کشورهای چین، هند، اندونزی، و بخش‌هایی از آمریکای لاتین و آفریقا را به رنگ قرمز تند رنگ‌آمیزی کرده‌اند – یک نکته بسیار مهم نادیده گرفته شده است. صرف‌ت‌مرکز بر روی مناطقی که احتمال شیوع عوامل بیماری‌زا در آن مناطق ممکن است که بیش‌تر از جاهای دیگر باشد، نقش بازی گران اقتصاد جهانی را در به راه افتادن این گونه بیماری‌های همه‌گیر به طور کلی

^{۳۸} *Salmonella*

^{۳۹} *Campylobacter*

^{۴۰} David Molyneux et al., "Zoonoses and Marginalised Infectious Diseases of Poverty: Where Do We Stand?" *Parasites & Vectors* 4, no. 106 (2011).

^{۴۱} که البته بعضی از آن‌ها بخشاً از سوی کمپانی‌هایی مانند گل‌گیت-پالمولیو و جانسن & جانسن حمایت مالی شده‌اند، کمپانی‌هایی که خود در خط مقدم جنگل‌زدایی ناشی از فعالیت شرکت‌های کشت‌و-صنعت قرار دارند.

^{۴۲} Stephen S. Morse et al., "Prediction and Prevention of the Next Pandemic Zoonosis," *Lancet* 380, no. 9857 (2012): ۱۹۵۶-۶۵; Rob Wallace, *Big Farms Make Big Flu: Dispatches on Infectious Disease, Agribusiness, and the Nature of Science* (New York: Monthly Review Press, 2016).

نادیده می‌گیرد.^{۴۳} منافع سرمایه که در پشت سر تغییرات ناشی از توسعه و تولید صنعتی در استفاده از زمین و ظهور بیماری‌ها در مناطق توسعه نیافته جهان ایستاده، از هر تلاشی که سعی دارد مسئولیت شیوع این گونه بیماری‌ها را به گردن اهالی بومی این مناطق و عادات فرهنگی به ظاهر "کشیف" آن‌ها بیندازد به شدت حمایت می‌کند.^{۴۴} از این منظر، گویا که تهیه گوشت حیوانات وحشی و دفن خانگی رفتارهایی هستند که باعث پیدایش عامل‌های بیماری‌زای نو می‌شوند. دقیقاً بر عکس کار این شخصیت‌های معروف، هنگامی که گیتی‌شناسی نسبی را رسم می‌کنیم به ناگهان درمی‌یابیم که نیویورک، لندن، و هنگ کنگ که مراکز کلیدی سرمایه جهانی هستند، در عوض به عنوان سه نقطه‌ای از جهان مشخص می‌شوند که از هر جای دیگری در جهان داغ‌ترند.

به علاوه، مناطق شیوع حتا در تقسیم‌بندی‌های سنتی نظام‌های حکومتی نیز دیگر نمی‌گنجند. مبادله نابرابر بوم‌شناختی – که شدیدترین آسیب‌های زیست‌بومی ناشی از کشاورزی صنعتی را در سمت جهان جنوب متمرکز می‌سازد – در حال حاضر از شکل صرفاً تخلیه منابع طبیعی این مناطق به مدد امپریالیسم دولتی خارج گشته و به شکل تازه‌ای از روابط پیچیده در سطح هزینه و کالا وارد شده است.^{۴۵} سرمایه کشاورزی در حال حاضر سرگرم تجدید ساختار عملیات استخراجی خویش به درون شبکه‌ای است که از نظر مکانی ناپیوسته بود، ولی در پهنه وسیعی از مناطقی با ابعاد متفاوت گسترده است.^{۴۶} برای مثال، هم اکنون رشته‌ای از "جمهوری‌های سویای" چند-ملیتی-بنیاد در سراسر خاک کشورهای بولیوی، پاراگوئه، آرژانتین، و برزیل گسترده‌اند. این

^{۴۳} Robert G. Wallace et al., "The Dawn of Structural One Health: A New Science Tracking Disease Emergence Along Circuits of Capital," *Social Science & Medicine* 129 (2015): 68–77; Wallace, *Big Farms Make Big Flu*.

^{۴۴} Steven Cummins, Sarah Curtis, Ana V. Diez-Roux, and Sally Macintyre, "Understanding and Representing 'Place' in Health Research: A Relational Approach," *Social Science & Medicine* 65, no. 9 (2007): 1825–38; Luke Bergmann and Mollie Holmberg, "Land in Motion," *Annals of the American Association of Geographers*, 106, no. 4 (2016): 932–56; Luke Bergmann, "Towards Economic Geographies Beyond the Nature-Society Divide," *Geoforum* 85 (2017): 324–35.

^{۴۵} Andrew K. Jorgenson, "Unequal Ecological Exchange and Environmental Degradation: A Theoretical Proposition and Cross-National Study of Deforestation, 1990–2000," *Rural Sociology* 71, no. 4 (2006): 685–712; Becky Mansfield, Darla K. Munroe, and Kendra McSweeney, "Does Economic Growth Cause Environmental Recovery? Geographical Explanations of Forest Regrowth," *Geography Compass* 4, no. 5 (2010): 416–27; Susanna B. Hecht, "Forests Lost and Found in Tropical Latin America: The Woodland 'Green Revolution,'" *Journal of Peasant Studies* 41, no. 5 (2014): 877–909; Gustavo de L. T. Oliveira, "The Geopolitics of Brazilian Soybeans," *Journal of Peasant Studies* 43, no. 2 (2016): 348–72.

^{۴۶} Mariano Turzi, "The Soybean Republic," *Yale Journal of International Affairs* 6, no. 2 (2011); Rogério Haesbaert, *El Mito de la Desterritorialización: Del 'Fin de Los Territorios' a la Multiterritorialidad* (Mexico City: Siglo Veintiuno, 2011); Clara Craviotti, "Which Territorial Embeddedness? Territorial Relationships of Recently Internationalized Firms of the Soybean Chain," *Journal of Peasant Studies* 43, no. 2 (2016): 331–47.

صحنه‌آرایی نو با تغییرات در ساختار مدیریت کمپانی، سرمایه‌سازی، پیمان‌کاری ثانوی، جای‌گزینی زنجیره تأمین، اجاره، و انباشت فراملی زمین تجسم می‌یابد.^{۴۷} این "کشورهای کالایی" که به راحتی در هر سوی مرزهای سیاسی و بوم‌زیستی جا خوش نموده‌اند، در مسیر باز کردن مرزهای ملی به روی خود بیماری‌های همه‌گیر تازه‌ای را نیز تولید می‌کنند.^{۴۸}

برای مثال، به‌رغم یک دگرگونی عمومی در ساختار جمعیتی که از تمرکز در مناطق کالایی شده روستایی به سمت زاغه‌نشین‌های شهری جا-به-جا شده، امری که امروزه در سراسر جهان شاهد آن هستیم، گفتمان پیرامون پدیداری بیماری‌ها، اما، هم‌چنان بر محور تقسیم‌بندی روستایی-شهری متمرکز بوده و اساساً پدیده حرکت نیروی کار روستایی به سمت شهرها و رشد سریع تبدیل شدن شهرک‌های مناطق روستایی به شهروستاها در حاشیه شهرهای بزرگ و یا در فاصله بین شهرها را کاملاً نادیده می‌گیرد. بسیاری به درستی نشان داده‌اند که این گونه شهریت‌های تازه ایجاد شده هم نقش بازار داخلی را ایفا نموده و هم به عنوان کانون‌های منطقه‌ای به عنوان گذرگاهی برای کالاهای کشاورزی جهانی عمل می‌کنند.^{۴۹} برخی از این گونه مناطق حتا به مرحله "پسا-کشاورزی" رسیده‌اند.^{۵۰} از این رو، تحرک عامل‌های بیماری‌زای جنگلی دیگر صرفاً به مناطق دورافتاده محدود نمی‌ماند. واگیرشناسی این عوامل بیماری‌زا نیز در زمان و مکان احساس می‌شود. مثلاً، یک ویروسی مانند سارس که تنها چند روز پس از آن که از میزبان‌اش در مغاره خفاش در آمده، به ناگهان خود را در شهرهای بزرگ سراسر جهان در حال سرایت به انسان‌ها می‌یابد.

^{۴۷} Wendy Jepson, Christian Brannstrom, and Anthony Filippi, "Access Regimes and Regional Land Change in the Brazilian Cerrado, 1972–2002," *Annals of the Association of American Geographers* 100, no. 1 (2010): 87–111; Patrick Meyfroidt et al., "Multiple Pathways of Commodity Crop Expansion in Tropical Forest Landscapes," *Environmental Research Letters* 9, no 7 (2014); Oliveira, "The Geopolitics of Brazilian Soybeans"; Javier Godar, "Balancing Detail and Scale in Assessing Transparency to Improve the Governance of Agricultural Commodity Supply Chains," *Environmental Research Letters* 11, no. 3 (2016).

^{۴۸} Rodrick Wallace et al., *Clear-Cutting Disease Control: Capital-Led Deforestation, Public Health Austerity, and Vector-Borne Infection* (Basel: Springer, 2018).

^{۴۹} Mike Davis, *Planet of Slums* (New York: Verso, 2016); Marcus Moench & Dipak Gyawali, *Desakota: Reinterpreting the Urban-Rural Continuum* (Kathmandu: Institute for Social and Environmental Transition, 2008); Hecht, "Forests Lost and Found in Tropical Latin America."

^{۵۰} Ariel E. Lugo, "The Emerging Era of Novel Tropical Forests," *Biotropica* 41, no. 5 (2009): 589–91.

زیست‌بوم‌هایی که ویروس‌های "حیات وحش" در آن‌ها بخشاً توسط در-هم-تافتگی جنگل‌های استوایی تحت کنترل قرار داشتند، اکنون از یک طرف به واسطه جنگل‌زدایی وسیع به دست سرمایه، و در آن سوی توسعه حاشیه‌نشینی نیز، از طریق کمبود بهداشت عمومی و پاکیزه‌گی محیط زیست به شدت آسیب دیده‌اند.^{۵۱} در حالی که بسیاری از عوامل بیماری‌زای جنگلی هم‌زمان با از میان رفتن گونه‌های میزبان‌شان خود نیز از میان می‌روند، اما، زیرمجموعه‌ای از این عفونت‌ها که در گذشته به طور نسبتاً سریعی در جنگل‌های دست نخورده خود-به-خود از میان می‌رفتند، اکنون در میان جامعه‌های انسانی آسیب‌پذیر، که آسیب‌پذیری‌شان به واسطه برنامه‌های ریاضتی و قوانین مخدوش تشدید می‌گردد، به شدت در حال تکثیر می‌باشند. شیوع این گونه عامل‌های بیماری‌زا حتاً در صورت وجود وکسین مؤثر نیز در ابعادی وسیع‌تر، مدت زمان طولانی‌تر و با شتاب بیشتری رخ می‌دهد. آن چه که زمانی تنها به یک نشت محلی محدود باقی می‌ماند، اکنون به واسطه شبکه وسیعی از بازرگانی و سیر-و-سیاحت در سراسر جهان اپیدمی می‌شود.^{۵۲}

با توجه به اثرات این گونه تغییر برداری – تنها با ایجاد یک تغییر در زمینه زیست‌محیطی – بسیاری از عوامل بیماری‌زای سابق نظیر ایبولا، زیکا، مالاریا، و تب زرد، به رغم این که به طور نسبی تحول‌چندانی نیز نداشته‌اند، اکنون تماماً به شکل حادثی به عنوان خطرات منطقه‌ای بازگشت نموده‌اند.^{۵۳} این عوامل که سابقاً ممکن بود که تنها به اهالی دهکده‌های دورافتاده محدود بمانند اکنون هر از چند گاهی هزاران نفر در شهرهای بزرگ را آلوده می‌سازند. در نگرش از یک جنبه دیگر زیست‌بومی، می‌بینیم که حتاً حیوان‌های وحشی نیز که به طور معمول برای مدت‌های مدیدی مخزن این گونه عوامل بوده‌اند خود اکنون دچار پی‌آمدهای بسیاری هستند. به عنوان نمونه، میمون‌های بومی مناطق استوایی که در برابر بیماری تب زرد آسیب‌پذیر بوده، در طی دست کم یک صد سال گذشته توانسته بودند در برابر این بیماری به ایمنی جمعی برسند. اما، اکنون به

^{۵۱} Robert G. Wallace and Rodrick Wallace, eds., *Neoliberal Ebola: Modeling Disease Emergence from Finance to Forest and Farm* (Basel: Springer, 2016); Wallace et al., *Clear-Cutting Disease Control*; Giorgos Kallis and Erik Swyngedouw, "Do Bees Produce Value? A Conversation Between an Ecological Economist and a Marxist Geographer," *Capitalism Nature Socialism* 29, no. 3 (2018): 36–50.

^{۵۲} Robert G. Wallace et al., "Did Neoliberalizing West African Forests Produce a New Niche for Ebola?," *International Journal of Health Services* 46, no. 1 (2016): 149–65.

^{۵۳} Wallace and Wallace, *Neoliberal Ebola*.

واسطهء جنگل‌زدایی وسیع که موجب پراکنده شدن جمعیت‌شان شده در حال از دست دادن ایمنی
جمعی بوده و در ابعاد وسیعی دچار مرگ-و-میر می‌شوند.^{۵۴}

^{۵۴} Júlio César Bicca-Marques and David Santos de Freitas, "The Role of Monkeys, Mosquitoes, and Humans in the Occurrence of a Yellow Fever Outbreak in a Fragmented Landscape in South Brazil: Protecting Howler Monkeys Is a Matter of Public Health," *Tropical Conservation Science* 3, no. 1 (2010): 78–89; Júlio César Bicca-Marques et al., "Yellow Fever Threatens Atlantic Forest Primates," *Science Advances* eletter, May 25, 2017; Luciana Inés Oklander et al., "Genetic Structure in the Southernmost Populations of Black-and-Gold Howler Monkeys (*Alouatta caraya*) and Its Conservation Implications," *PLoS ONE* 12, no. 10 (2017); Natália Coelho Couto de Azevedo Fernandes et al., "Outbreak of Yellow Fever Among Nonhuman Primates, Espírito Santo, Brazil, 2017," *Emerging Infectious Diseases* 23, no. 12 (2017): 2038–41; Daiana Mir, "Phylogenetics of Yellow Fever Virus in the Americas: New Insights into the Origin of the 2017 Brazilian Outbreak," *Scientific Reports* 7, no. 1 (2017).

کشاورزی کالایی دست‌کم به واسطه گسترش جهانی‌اش، در حال حاضر هم به عنوان نیروی رانشی برای عوامل بیماری‌زا عمل کرده و هم به عنوان شبکه‌ای است که از طریق آن عوامل بیماری‌زا با سرمنشاهای گوناگون از دورافتاده‌ترین مأمّن خویش به بین‌المللی‌ترین کانون‌های جمعیتی مهاجرت می‌کنند.^{۵۵} در این جاست که عوامل بیماری‌زای نوپدید وارد مجموعه‌های کشاورزی می‌شوند. هر اندازه که زنجیره تأمین مربوطه طولانی‌تر بوده و به نسبتی که ابعاد جنگل‌زدایی ملازم آن وسیع‌تر باشد، عوامل بیماری‌زای حیوانی متفاوت‌تر و عجیب‌تری به زنجیره مواد غذایی وارد می‌شود. از جمله عوامل بیماری‌زای کشت‌گاهی و غذازادی ناشی از فعالیت‌های انسانی که اخیراً پدیدار و یا باز-پدیدار شده‌اند می‌توان از تب خوک آفریقایی، کمپیلوباکتر، کریپتس‌پوریدیم، سیکوسپورا، ایبولا رستن، ای. کولای، O۱۵۷:H۷، بیماری تب برفکی، تورم کبدی E، لستیریا، ویروس Nipah، تب Q، سالمونلا، ویبریو، یرسینیا، و گونه‌های متفاوتی از انفلوانزای نوپدید شامل، (۲۰۰۹) H۱N۱، H۱N۲v، H۳N۲v، H۵N۱، H۵N۲، H۵Nx، H۶N۱، H۷N۹، H۷N۷، H۷N۳ و H۹N۲ نام برد.^{۵۶}

خط تولید سرمایه‌داری در تمامیت‌اش پیرامون عملیاتی سازمان‌دهی شده که حتّا اگر ناخواسته، به تکامل در شدت عفونت‌زایی عوامل بیماری‌زا و به انتقال بعدی آن‌ها شتاب می‌بخشد.^{۵۷} پرورش

^{۵۵} Mike Davis, *The Monster at Our Door: The Global Threat of Avian Flu* (New York: New Press, 2005); Jay P. Graham et al., "The Animal-Human Interface and Infectious Disease in Industrial Food Animal Production: Rethinking Biosecurity and Biocontainment," *Public Health Reports* 123, no. 3 (2008): 282-99; Bryony A. Jones et al., "Zoonosis Emergence Linked to Agricultural Intensification and Environmental Change," *PNAS* 110, no. 21 (2013): 8399-404; Marco Liverani et al., "Understanding and Managing Zoonotic Risk in the New Livestock Industries," *Environmental Health Perspectives* 121, no. 8 (2013); Anneke Engering, Lenny Hogerwerf, and Jan Slingenbergh, "Pathogen-Host-Environment Interplay and Disease Emergence," *Emerging Microbes and Infections* 2, no. 1 (2013); *World Livestock 2013: Changing Disease Landscapes* (Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations, 2013).

^{۵۶} Robert V. Tauxe, "Emerging Foodborne Diseases: An Evolving Public Health Challenge," *Emerging Infectious Diseases* 3, no. 4 (1997): 425-34; Wallace and Wallace, *Neoliberal Ebola*; Ellyn P. Marder et al., "Preliminary Incidence and Trends of Infections with Pathogens Transmitted Commonly Through Food—Foodborne Diseases Active Surveillance Network, 10 U.S. Sites, 2006–2017," *Morbidity and Mortality Weekly Report* 67, no. 11 (2018): 324-28.

^{۵۷} Robert G. Wallace, "Breeding Influenza: The Political Virology of Offshore Farming," *Antipode* 41, no. 5 (2009): 916-۵۱; Robert G. Wallace et al., "Industrial Agricultural Environments," in *The Routledge Handbook of Biosecurity and Invasive Species*, ed. Juliet Fall, Robert Francis, Martin A. Schlaepfer, and Kezia Barker (New York: Routledge, forthcoming).

تک محصولی‌های ژنتیکی - یعنی پرورش احشام و گیاهانی که تقریباً دارای ژنوم‌های یک‌سان هستند - سدّ ایمنی موجود در جمعیت‌های ناهمگون را که به طور طبیعی باعث کند شدن روند انتقال [عامل‌های بیماری‌زا] می‌شود از میان می‌برد.^{۵۸} در چنین شرایطی، عامل‌های بیماری‌زا می‌توانند به سرعت تکامل یافته و بر سرشت ژنتیکی ایمنی میزبان واحدشان به ساده‌گی غلبه کنند. افزون بر آن، شرایط زیستی پرازدحامی که از ویژه‌گی‌های این گونه تولید است واکنش ایمنی میزبان را به شدت تضعیف می‌کند.^{۵۹} جمعیت انبوه دام و تراکم زیاد در مزارع صنعتی به انتقال بیشتر بیماری و عودت بیماری‌های عفونی مدد می‌رساند.^{۶۰} بازدهی بالا، که از ویژه‌گی‌های هر گونه تولید صنعتی است، به طور مداوم زمینه‌ساز مستعد برای بیماری‌ها را در سطح اصطبل، مزرعه و منطقه تهیه نموده و بدین ترتیب باعث از میان رفتن هر گونه محدودیت در روند تکاملی عامل‌های بیماری‌زا می‌گردد.^{۶۱} جا دادن تعداد بی‌شمار احشام در یک جا در واقع هدیه‌ای است به آن دسته از عوامل که به بهترین شکل می‌توانند همه‌آنها را یک‌جا از پا درآورند. پایین آوردن سن ذبح - مثلاً به شش هفته در مرغ‌ها - احتمالاً به انتخاب عواملی می‌انجامد که قادرند در

^{۵۸} John H. Vandermeer, *The Ecology of Agroecosystems* (Sudbury, MA: Jones and Bartlett, 2011); Peter H. Thrall et al., "Evolution in Agriculture: The Application of Evolutionary Approaches to the Management of Biotic Interactions in Agro-Ecosystems," *Evolutionary Applications* 4, no. 2 (2011): 200-15; R. Ford Denison, *Darwinian Agriculture: How Understanding Evolution Can Improve Agriculture* (Princeton: Princeton University Press, 2012); Marius Gilbert, Xiangming Xiao, and Timothy Paul Robinson, "Intensifying Poultry Production Systems and the Emergence of Avian Influenza in China: A 'One Health/Ecohealth' Epitome," *Archives of Public Health* 75 (2017).

^{۵۹} Mohammad Houshmar et al., "Effects of Prebiotic, Protein Level, and Stocking Density on Performance, Immunity, and Stress Indicators of Broilers," *Poultry Science* 91, no. 2 (2012): 393-401; A. V. S. Gomes et al., "Overcrowding Stress Decreases Macrophage Activity and Increases Salmonella Enteritidis Invasion in Broiler Chickens," *Avian Pathology* 43, no. 1 (2014): 82-90; Peyman Yarahmadi, Hamed Kolangi Miandare, Sahel Fayaz, and Christopher Marlowe A. Caipang, "Increased Stocking Density Causes Changes in Expression of Selected Stress- and Immune-Related Genes, Humoral Innate Immune Parameters and Stress Responses of Rainbow Trout (*Oncorhynchus mykiss*)," *Fish & Shellfish Immunology* 48 (2016): 43-53; Wenjia Li et al., "Effect of Stocking Density and Alpha-Lipoic Acid on the Growth Performance, Physiological and Oxidative Stress and Immune Response of Broilers," *Asian-Australasian Journal of Animal Studies* 32, no. 12 (2019).

^{۶۰} Virginia E. Pitzer et al., "High Turnover Drives Prolonged Persistence of Influenza in Managed Pig Herds," *Journal of the Royal Society Interface* 13, no. 119 (2016); Richard K. Gast et al., "Frequency and Duration of Fecal Shedding of *Salmonella* Enteritidis by Experimentally Infected Laying Hens Housed in Enriched Colony Cages at Different Stocking Densities," *Frontiers in Veterinary Science* (2017); Andres Diaz et al., "Multiple Genome Constellations of Similar and Distinct Influenza A Viruses Co-Circulate in Pigs During Epidemic Events," *Scientific Reports* 7 (2017).

^{۶۱} Katherine E. Atkins et al., "Modelling Marek's Disease Virus (MDV) Infection: Parameter Estimates for Mortality Rate and Infectiousness," *BMC Veterinary Research* 7, no. 70 (2011); John Allen and Stephanie Lavau, "'Just-in-Time' Disease: Biosecurity, Poultry and Power," *Journal of Cultural Economy* 8, no. 3 (2015): 342-60; Pitzer et al., "High Turnover Drives Prolonged Persistence of Influenza in Managed Pig Herds"; Mary A. Rogalski, "Human Drivers of Ecological and Evolutionary Dynamics in Emerging and Disappearing Infectious Disease Systems," *Philosophical Transactions of the Royal Society B* 372, no. 1712 (2017).

برابر سیستم‌های ایمنی نیرومند بهتر دوام بیاورند.^{۶۲} همچنین، افزودن بر دایره جغرافیایی که در آن حیوانات زنده خرید-و-فروش و صادر می‌شوند موجب افزایش تنوع پاره‌های ژنومیکی گشته است که عوامل بیماری‌زای مربوطه فرصت گیر-و-داد با آن‌ها را یافته، و از این رو امکان تکامل و تطبیق عوامل بیماری‌زا با نرخ بیشتری افزایش می‌یابد.^{۶۳}

در حالی که تکامل عوامل بیماری‌زا در تمامی طرق فوق‌الذکر با شتاب در جریان است، اما، برای آماده بودن، حتّا جهت نجات دست‌کم بخشی از سرمایه‌گذاری خود همین تولیدی‌ها هم که شده باشد، در صورت وقوع یک شیوع ناگهانی به نظر نمی‌رسد که هیچ اقدام مؤثری در جریان باشد.^{۶۴} روند اوضاع بیش‌تر رو به سمت بازرسی قانونی کم‌تر مزرعه‌ها و کارخانه‌های فرآوری، قانون‌گذاری بر علیه نظارت حکومتی و افشاگری فعالین، و حتّا قانون‌گذاری بر علیه گزارش‌گری پیرامون جزییات شیوع بیماری‌های مرگ‌بار در رسانه‌ها گرایش دارد. به رغم برخی موفقیت‌های قضایی بر علیه آلوده‌سازی علف‌کش‌ها و مزرعه‌های خوک-پروری که اخیراً به دست آمده، اما فرماندهی بخش خصوصی کماکان به تمامی بر سودآوری متمرکز مانده است. مشکل آسیب‌های ناشی از شیوع بیماری‌ها که نتایج بیرونی آن متوجه دام، محصولات زراعی، حیات وحش، کارگران، حکومت‌های محلی و ملی، سیستم بهداشت عمومی، و سامانه‌های کشاورزی آلترناتیو است، باید در صدر اولویت‌های ملی قرار بگیرد. بر پایه گزارش آژانس پیش‌گیری و کنترل بیماری‌های عفونی، تعداد ایالت‌هایی که از شیوع بیماری‌های غذازاد ضربه خورده و تعداد این گونه بیماران در ایالات متحده دائماً رو به افزایش است.^{۶۵}

^{۶۲} Wallace, "Breeding Influenza"; Katherine E. Atkins et al., "Vaccination and Reduced Cohort Duration Can Drive Virulence Evolution: Marek's Disease Virus and Industrialized Agriculture," *Evolution* 67, no. 3 (2013): 851-60; Adèle Mennerat, Mathias Stølen Ugelvik, Camilla Håkonsrud Jensen, and Arne Skorping, "Invest More and Die Faster: The Life History of a Parasite on Intensive Farms," *Evolutionary Applications* 10, no. 9 (2017): 890-96.

^{۶۳} Martha I. Nelson et al., "Spatial Dynamics of Human-Origin H1 Influenza A Virus in North American Swine," *PLoS Pathogens* 7, no. 6 (2011); Trevon L. Fuller et al., "Predicting Hotspots for Influenza Virus Reassortment," *Emerging Infectious Diseases* 19, no. 4 (2013): 581-88; Rodrick Wallace and Robert G. Wallace, "Blowback: New Formal Perspectives on Agriculturally-Driven Pathogen Evolution and Spread," *Epidemiology and Infection* 143, no. 10 (2014): 2068-80; Ignacio Mena et al., "Origins of the 2009 H1N1 Influenza Pandemic in Swine in Mexico," *eLife* 5 (2016); Martha I. Nelson et al., "Human-Origin Influenza A(H3N2) Reassortant Viruses in Swine, Southeast Mexico," *Emerging Infectious Diseases* 25, no. 4 (2019): 691-700.

^{۶۴} Wallace, *Big Farms Make Big Flu*, 192-201.

^{۶۵} "Safer Food Saves Lives," Centers for Disease Control and Prevention, November 3, 2015; Lena H. Sun, "Big and Deadly: Major Foodborne Outbreaks Spike Sharply," *Washington Post*, November 3, 2015; Mike Stobbe, "CDC: More Food Poisoning Outbreaks Cross State Lines," *KSL*, November 3, 2015.

یعنی، گره از-خود-بیگانگی سرمایه به نفع عامل‌های بیماری‌زا در حال باز شدن است. در حالی که منافع عمومی بر سر خروجی‌های مزارع و کارخانه‌های فرآوری فیلتر می‌شود، اما عوامل بیماری‌زا از به اصطلاح سد بيو-ایمنی، که این صنایع هزینه‌اش را با کمال میل پرداخته تا تعهدشان به جامعه را زیر پا بگذارند، به راحتی عبور می‌کنند. تولید روزمره دربردارنده خطر اخلاقی پُرمفعتی [برای سرمایه] است که به تدریج مبانی بهداشتی مشترک ما را از میان می‌برد.

نیویورک، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای دنیا که مسافتی به اندازه نیم کره از خاستگاه ویروس کرونا فاصله داشته ولی اکنون در جا بر علیه کووید-۱۹ پناه گرفته، نمایان گر طنز تلخی است. میلیون‌ها نیویورکی از بیم ویروس کرونا در خانه‌هایشان پناه گرفته‌اند، خانه‌هایی که تا چندی پیش زیر نظارت فردی به نام آلیشا گلن، که تا سال ۲۰۱۸ معاون شهردار در امور خانه‌سازی و توسعه اقتصادی بود، قرار داشت.^{۶۶} گلن یکی از مدیران سابق گلدمن سکس و مدیر فعالیت‌های گروه سرمایه‌گذاری شهری این کمپانی بود، یعنی آن بخش از کمپانی که وظیفه تأمین مالی پروژه‌هایی را در محله‌هایی به عهده داشت که واحدهای دیگر این کمپانی آن‌ها را به عنوان منطقه قرمز^{۶۷} اعلام می‌کردند.^{۶۸}

البته که گلن به هیچ وجه شخصاً مسبب شیوع بیماری کووید-۱۹ نیست، اما وی بیش‌تر به عنوان نمادی مطرح است که در این رابطه بارز می‌شود. سه سال پیش از آن که گلن به استخدام شهرداری درآید، کارفرمای سابق وی، یعنی گلدمن سکس، به همراه جی.پی. مورگن، بانک آمریکا، سیتی‌گروپ، ولز فارگو، و مورگن استنلی، متعاقب بحران مسکن و رکود بزرگ اقتصادی که خود بخشاً در ایجاد آن نقش داشتند، شصت و سه درصد از وام اضطراری ارایه شده از سوی حکومت فدرال به منظور تأمین مالی را دریافت نمودند.^{۶۹} گلدمن سکس، که با دریافت این کمک توانسته بود سرهزینه‌هایش را پاک کند، بلافاصله روانه بازار شد تا با گوناگون‌سازی دارایی‌هایش بحران مالی موجود را از سر بگذرانند. گلدمن سکس شصت درصد از سهام کمپانی سرمایه‌گذاری و توسعه شوان‌هوای را خریداری نمود که بخشی از سرمایه کشاورزی غول‌پیکر چینی است که

^{۶۶} Sally Goldenberg, "Alicia Glen, Who Oversaw de Blasio's Affordable Housing Plan and Embattled NYCHA, to Depart City Hall," *Politico*, December 19, 2018.

^{۶۷} منطقه قرمز یا خط قرمز اصطلاحاً به محله‌هایی، به ویژه محله‌هایی با اکثریت غیر سفیدپوست، اطلاق می‌شود که کمپانی به عنوان ریسک اقتصادی دیده و حاضر به پرداخت وام مسکن، بیمه، و یا دیگر خدمات به آن‌ها نیست. (م)

^{۶۸} Gary A. Dymski, "Racial Exclusion and the Political Economy of the Subprime Crisis," *Historical Materialism* 17 (2009): 149-79; Harold C. Barnett, "The Securitization of Mortgage Fraud," *Sociology of Crime, Law and Deviance* 16 (2011): 65-84.

^{۶۹} Bob Ivry, Bradley Keoun, and Phil Kuntz, "Secret Fed Loans Gave Banks \$13 Billion Undisclosed to Congress," *Bloomberg*, November 21, 2011.

پیش‌تر شرکت مواد غذایی اسمیت‌فیلد، بزرگ‌ترین تولید کننده گوشت خوک در جهان، را خریده بود.^{۷۰} گلدمن سکس، سپس با پرداخت هزینه‌ای معادل سی صد میلیون دلار مالکیت کامل ۱۰ مرغ‌داری را نیز در استان‌های فوجیا و خونان، در مجاورت شهر وو‌هن و در محدوده خوراک وحش شهر، خریداری نمود.^{۷۱} به علاوه، مبلغ سی صد میلیون دلار دیگر نیز با همکاری دویچه بانک برای پرورش خوک در دو استان مزبور توسط گلدمن سکس سرمایه‌گذاری شد.^{۷۲}

پس، همان طور که می‌بینیم، گیتی‌شناسی نسبی که پیش‌تر بدان اشاره گردید یک دور کامل را تا این جا طی نموده است. همه‌گیری جهانی در حال حاضر در سراسر نیویورک، یعنی بزرگ‌ترین کانون شیوع کووید-۱۹ در ایالات متحده، ساکنین حوزه عملیاتی گلن را خانه-به-خانه بیمار می‌سازد. فارغ از این که سرمایه‌گذاری گلدمن سکس در این مورد خاص و در مقایسه با ابعاد سیستم کشاورزی چین ممکن است که کوچک قلمداد شود، اما، باید اذعان نمود که سرخ‌علت‌های شیوع این بیماری بخشاً در همین نیویورک بوده است.

بلند کردن انگشت اتهام بر پایه تمایلات ناسیونالیستی، از تکرار اصطلاح نژادپرستانه "ویروس چینی" توسط ترامپ گرفته تا اشکال و انحاء مختلف در سراسر اردوی لیبرال‌ها، تنها در خدمت پنهان ساختن مسئولیت مشترک جهانی دولت و سرمایه [در شکل‌گیری چنین پاندمی] قرار دارد.^{۷۳} "برادران دشمن"، بهترین توصیفی است که کارل مارکس برای‌شان به کار برده بود.^{۷۴} چه آن زمان که کارگران در میدان‌های جنگ کشته می‌شوند، و یا این که در پهنه اقتصادی همه خسارت‌ها را متحمل می‌گردند، و یا اکنون که در کنج خانه‌های‌شان برای حفظ حیات‌شان می‌جنگند، هم گویای رقابتی است که میان نخبه‌گان برای چنگ انداختن بر منابع طبیعی دائماً رو به

^{۷۰} Michael J. de la Merced and David Barboza, "Needing Pork, China Is to Buy a U.S. Supplier," *New York Times*, May ۲۹, ۲۰۱۳.

^{۷۱} "Goldman Sachs Pays US\$300m for Poultry Farms," *South China Morning Post*, August 4, 2008.

^{۷۲} "Goldman Sachs Invests in Chinese Pig Farming," *Pig Site*, August 5, 2008.

^{۷۳} Katie Rogers, Lara Jakes, Ana Swanson, "Trump Defends Using 'Chinese Virus' Label, Ignoring Growing Criticism," *New York Times*, March 18, 2020.

^{۷۴} Karl Marx, *Capital: A Critique of Political Economy*, vol. 3 (New York: Penguin, 1993), 362.

کاهش جریان داشته و هم اشتراکشان بر سر ابزاری است که برای ایجاد تفرقه و حکومت بر انبوه انسانیتهی به کار می‌گیرند که در لابه‌لای چرخ‌دنده‌های این ترفندها گرفتار آمده‌اند.

جالب این جاست که یک پاندمی از درون شیوه تولید سرمایه‌داری برمی‌خیزد و این که از یک سو انتظار می‌رود که همان دولت [سرمایه‌داری] به مدیریت آن پردازد و از سوی دیگر خود پاندمی [که حاصل این سیستم است] فرصتی را برای مدیران و بهره‌وران همین سیستم فراهم می‌سازد که از کنار آن ثروت‌اندوزی کنند. صرفاً به عنوان یک نمونه، پنج سناتور و بیست نماینده کنگره ایالات متحده در اواسط ماه فوریه امسال میلیون‌ها دلار از سهام خویش در صنایعی را فروختند که پیش‌بینی می‌شد که این پاندمی به آن‌ها بیش از همه خسارت وارد آورد.^{۷۵} تصمیم این افراد بر پایه آگاهی آن‌ها از داده‌های طبقه‌بندی شده سرویس‌های اطلاعاتی بود، در حالی که برخی از همین نمایندگان تا مدت‌ها بعد از آن نیز کماکان پیام‌های رسمی را تکرار می‌کردند که گویا خطری به عنوان همه‌گیری جهانی وجود ندارد.

واقعیت این است که سوای این چنین بشکن-و-ببر پول‌پرستانه، فساد در ایالات متحده امری سیستمیک بوده که پایان دوره انباشت ایالات متحده را رقم می‌زند.

دقیقاً می‌بینیم که همان تلاش‌های همیشگی انجام می‌شود که تا روند انباشت کماکان ادامه یافته حتا اگر که قرار باشد این انباشت و ثروت‌اندوزی را بر دوش اصول اولیه زیست‌بوم شناسی (و واگیرشناسی مرتبط به آن) سوار کنند. برای امثال گلدمن سکس، پاندمی جاری، مانند بحران‌های پیش از آن، "فرصت‌های تازه‌ای را برای رشد" فراهم می‌سازد:

ما نیز خود را در خوش‌بینی بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران کمپانی‌های زیست-فن‌آوری که بر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای پیرامون درمان‌گری و ساخت وکسین مبتنی‌ست شریک می‌دانیم. به نظر ما به محض دیدن نخستین نشانه چنین پیش‌رفتی تمامی ترس و نگرانی‌های فعلی زایل خواهد شد ...

^{۷۵} Eric Lipton, Nicholas Fandos, Sharon LaFraniere, and Julian E. Barnes, "Stock Sales by Senator Richard Burr Ignite Political Uproar," *New York Times*, March 20, 2020.

در حالی که تمامی پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که قیمت‌ها [در بازار سهام] در پایان سال [نسبت به امروز] به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر خواهند بود، از این رو تلاش برای این که سهام در پایین‌ترین سطح قیمت‌ها خریداری شود، امری است که تنها مناسب حال سوداگران روزانه سهام، سوداگرانی که حرکت قیمت‌ها را دنبال کرده، و احتمالاً برخی از مدیران شرکت‌های مضاربه‌ای مناسب بوده، ولی برای سرمایه‌گذاران درازمدت مناسب نیست. نکته دیگر آنکه به همان اندازه مهم است این است که هیچ گونه نشانه‌ای از این که بازار سهام به حدی سقوط کند که فروش کلی سهام را در حال حاضر توجیه نماید وجود ندارد. به علاوه، با توجه به بزرگی و انعطاف‌پذیری اقتصاد ایالات متحده، اطمینان ما بیش‌تر به این است که بازار سرانجام به حد بالاتری خواهد رسید.

و در آخر، به نظر ما سطح کنونی بازار فرصتی را فراهم می‌سازد که به تدریج خطرپذیری پورت‌فولیو خود را افزایش دهیم. برای کسانی هم که نقدینه اضافی در اختیارشان بوده و توان آن را دارند که با اتخاذ استراتژی درست در انتخاب نوع سهام به طور درازمدت دوام بیاورند، اکنون بهترین وقت است که تدریجاً به میزان سهام خویش در شاخص استاندارد و پور^{۷۶} بیافزایند.^{۷۷}

مردم جهان که به واسطه مرگ-و-میری که اکنون در برابر دیده‌گان‌شان در جریان است به شدت هراسناک‌اند، اما، برداشتی کاملاً متفاوت دارند.^{۷۸} مدارهای سرمایه و تولید که توسط عوامل بیماری‌زا، هم‌چون برچسب رادیو-اکتیو، یکی پس از دیگری علامت می‌خورند، از نظر مردم جهان کاملاً نا‌عادلانه‌اند.

وراء موارد رخدادی و پیش‌آیندی که تا این جا بدان پرداخته‌ایم، واقعاً چگونه می‌توان سرشت این گونه سیستم‌ها را مشخص ساخت؟ در این راستا، گروه ما در حال ایجاد الگویی است که بسیار جامع‌تر و فراتر از طب استعماری مدرن خواهد بود، طبی که نمونه‌اش را در بهداشت-بوم‌زیستی^{۷۹}

^{۷۶} S & P Index

^{۷۷} Sharmin Mossavar-Rahmani et al., "ISG Insight: From Room to Grow to Room to Fall," Goldman Sachs' Investment Strategy Group.

^{۷۸} "Corona Crisis: Resistance in a Time of Pandemic," *Marx21*, March 21, 2020; International Assembly of the Peoples and Tricontinental Institute for Social Research, "In Light of the Global Pandemic, Focus Attention on the People," *Tricontinental*, March 21, 2020.

^{۷۹} Ecohealth

و بهداشتِ واحد^{۸۰} می‌توان یافت که کماکان بومی‌ها و خرده‌مالکین محلی را مسبب جنگل‌زدایی، که از علل اساسی پدیدار شدن بیماری‌های مرگ‌بار از این دست است، می‌داند.^{۸۱}

تئوری عمومی ما از پدیداری بیماری‌[های نو] در چارچوب سیستم نولیبرال، که البته چین را نیز شامل می‌شود، موارد زیر را در بر دارد:

- مدارهای جهانی سرمایه؛
- حضور سرمایه مزبور بافت پیچیده زیست‌بوم‌های محلی را که قادر به مهار رشد عوامل بیماری‌زاست تخریب می‌کند؛
- در نتیجه، نرخ وقوع این گونه رخدادها و هم‌چنین تعداد ارگانسیم‌های پدیدار شده افزایش خواهد یافت؛
- عوامل بیماری‌زایی که به احشام و نیروی کار محلی سرایت نموده، سپس به واسطه ساز-و-کار تولید کالایی شهروستایی از اعماق دورافتاده‌ترین مناطق روستایی به مناطق شهری حمل می‌شود؛
- آن‌گاه، شبکه وسیع و رو به رشد بازرگانی احشام و سیاحت جهانی این عوامل را از شهرهای مزبور با سرعت به دیگر نقاط جهان می‌رساند؛
- به واسطه آسانی سرایت در این گونه شبکه‌ها، زمینه برای تکامل کشنده‌ترین عوامل بیماری‌زا هم در احشام و هم در انسان فراهم می‌گردد؛
- و سرانجام، از میان دیگر تحمیلات، باید به عدم امکان تولیدِ مثل دام در محل دام‌داری‌های صنعتی اشاره نمود که باعث از میان رفتن عامل انتخاب طبیعی، یکی از خدمات تقریباً رایگان سیستم زیست‌بومی برای حفاظت در برابر بیماری‌ها، می‌گردد.

در این جا، اساس بحث ما این است که علت بیماری کووید-۱۹ و عوامل بیماری‌زای دیگری از این قبیل را تنها در خود عامل عفونی و یا در دوره پیش‌رفت بالینی آن نمی‌توان یافت، بلکه هم

^{۸۰} One Health

^{۸۱} Wallace et al., "The Dawn of Structural One Health."

چنین باید در حیطه روابط سیستمیک زیست‌بومی که سرمایه و دیگر علل ساختاری در راستای منافع خود دست‌کاری نموده‌اند جست‌و-جو نمود.^{۸۲} رد پای تمامی انواع گوناگون عوامل بیماری‌زا که معرف آرایه‌ها، میزبان‌های منبع، شیوه‌های سرایت، دوران بالینی، و نتایج واگیرشناسی کاملاً متفاوتی هستند را می‌توان، اگرچه در بخش‌ها و خط سیرهای مختلف، اما، در شیوه‌های کاملاً هم‌سان در استفاده از زمین و انباشت ارزش پیدا نمود.

هر برنامه عمومی که برای مداخله [جهت پیش‌گیری از بیماری‌های همه‌گیر] طرح‌ریزی شده باشد باید عملکردی به طور موازی و بسا فراتر از [صرفاً مبارزه بر علیه شیوع] یک ویروس معین داشته باشد.

جهت دوری جستن از پی‌آمدهای وخامت‌بار [ناشی از شیوع عوامل بیماری‌زایی از این دست] در آینده، بازگشت به خود به تحولات اساسی انسانی اشاره دارد: کنار نهادن ایدئولوژی مستعمره‌نشینی، بازگرداندن عنصر انسانی به چرخه‌های باززایی زمین، و بازیابی منطق فردیت خویش در کثرت وراء شرایطی که همواره از سوی سرمایه تحمیل می‌شود.^{۸۳} اما، اقتصادگرایی (اکنونیسم)، یعنی این باور که تمامی علت‌ها صرفاً اقتصادی هستند، برای دستیابی به رهایی کافی نخواهد بود. سرمایه‌داری جهانی هایدرای^{۸۴} چند-سر است که بی‌وقفه در حال انباشت، خودگون سازی و سازمان دادن به لایه‌های مختلفی از روابط اجتماعی در راستای تقویت و تحکیم کُش‌گری خویش است.^{۸۵} سرمایه‌داری در روند تصاحب نظام ارزشی منطقه‌ای از یک جا به جای دیگر، دائماً بر زمینه‌های بسیار پیچیده و به هم پیوسته‌ای از نژاد، طبقه، و جنسیت فعالیت می‌کند.

^{۸۲} Wallace et al., "Did Neoliberalizing West African Forests Produce a New Niche for Ebola?"; Wallace et al., *Clear-Cutting Disease Control*.

^{۸۳} Ernest Mandel, "Progressive Disalienation Through the Building of Socialist Society, or the Inevitable Alienation in Industrial Society?," in *The Marxist Theory of Alienation* (New York: Pathfinder, 1970); Paolo Virno, *A Grammar of the Multitude* (Los Angeles: Semiotext(e), 2004); Del Weston, *The Political Economy of Global Warming: The Terminal Crisis* (London: Routledge, 2014); McKenzie Wark, *General Intellects: Twenty-One Thinkers for the Twenty-First Century* (New York: Verso, 2017); John Bellamy Foster, "Marx, Value, and Nature," *Monthly Review* 70, no. 3 (July–August 2018): 122–36; Silvia Federici, *Re-enchanting the World: Feminism and the Politics of the Commons* (Oakland: PM, 2018).

^{۸۴} Hydra غول چند-سر در اساطیر یونانی که به دست هرکول کشته شد.

^{۸۵} Butch Lee and Red Rover, *Night-Vision: Illuminating War and Class on the Neo-Colonial Terrain* (New York: Vagabond, 1993); Silvia Federici, *Caliban and the Witch: Women, the Body and Primitive Accumulation* (New York: Autonomedia, 2004); Anna Tsing, "Supply Chains and the Human Condition," *Rethinking Marxism* 21, no. 2 (2009): ۱۴۸–۷۶; Glen Sean Coulthard, *Red Skin, White Masks: Rejecting the Colonial Politics of Recognition* (Minneapolis:

بدون آن که خواسته باشیم به پند-و-اندرز گویی‌هایی پردازیم که به درستی توسط دانا هرآوی به عنوان تاریخ‌نویسی آمرزش‌طلبانه رد شده، اما، به ناچار باید پرسید که "آیا می‌توان این بمب ساعتی را به موقع خنثی نمود؟" بازگشت به خود باید به این سلسله-مراتب چندلایه از سرکوب-گری و هم‌چنین تمامی آن شیوه‌های خاص محلی که به توسط آن سرکوب‌گری قادر به تعامل با روند انباشت [جهانی] است پایان دهد.^{۸۶} در این مسیر باید از بازتصاحب‌گری دائماً رو به گسترش سرمایه در عرصه‌های تولیدی، اجتماعی و سمبلیک خلع ید نمود.^{۸۷} یعنی، [خلع ید از] آن چه که در حقیقت می‌توان آن را در توتالیتاریسم خلاصه کرد. سرمایه‌داری همه چیز را به کالا تبدیل می‌سازد - پوشش‌گری بر کرهء مریخ، تالاب‌های لیتیم، تعمیرات دستگاه تنفس مصنوعی، حتّاً پایداری حیات، و غیره و غیره. و نکته این جاست که تمامی این‌ها از مواردی هستند که بسیار فراتر از عرصهء تولید در یک کارخانه و یا یک مزرعه قرار می‌گیرند. این که امروزه تقریباً هر کسی در هر کجای دنیا که باشد به انقیاد بازار درآمده، امری که سیاست‌مداران در شرایطی مثل امروز سعی در انسانی جلوه دادن آن دارند، از همیشه روشن‌تر شده است.^{۸۸}

اجمالاً، تنها از طریق مبارزهء جهانی با سرمایه و کارگزاران محلی آن است که می‌توان در مبارزه برای پیش‌گیری از مرگ میلیاردها انسان به دست هر کدام از این عوامل بیماری‌زای بی‌شماری که هم اکنون در سراسر پهنهء فعالیت سرمایهء کشاورزی صف کشیده‌اند به موفقیت دست یافت، حال هر اندازه هم که خدمت‌گزاران بورژوازی، از جمله آلیشا گلن، بخواهند که از میزان خسارت

University of Minnesota Press, 2014); Leandro Vergara-Camus, *Land and Freedom: The MST, the Zapatistas and Peasant Alternatives to Neoliberalism* (London: Zed, 2014); Jackie Wang, *Carceral Capitalism* (Los Angeles: Semiotext(e), 2018).

^{۸۶} Donna Haraway, "A Cyborg Manifesto: Science, Technology, and Socialist-Feminism in the Late Twentieth Century," in *Simians, Cyborgs and Women: The Reinvention of Nature* (New York: Routledge, 1991); Keeanga-Yamahtta Taylor, ed., *How We Get Free: Black Feminism and the Combahee River Collective* (Chicago: Haymarket, 2017).

^{۸۷} Joseph Fracchia, "Organisms and Objectifications: A Historical-Materialist Inquiry into the 'Human and the Animal,'" *Monthly Review* 68, no. 10 (March 2017): 1-17; Omar Felipe Giraldo, *Political Ecology of Agriculture: Agroecology and Post-Development* (Basel: Springer, 2019).

^{۸۸} Franco Berardi, *The Soul at Work: From Alienation to Autonomy* (Los Angeles: Semiotext(e), 2009); Maurizio Lazzarato, *Signs and Machines: Capitalism and the Production of Subjectivity* (Los Angeles: Semiotext(e), 2014); Wark, *General Intellects*.

بکاهند. همان طور که در برخی از کارهای اخیر خود توضیح داده‌ایم، سرمایه‌کشاورزی با بهداشت عمومی می‌جنگد.^{۸۹} متأسفانه، بهداشت عمومی در این جنگ در حال باختن است.

اما، اگر بشریت در این نزاع تاریخی به پیروزی برسد، آن گاه است که می‌توان به نوعی از متابولیسم جهانی بازگشت که فارغ از تفاوت‌های صوری‌اش در جاهای مختلف، بار دیگر زیست‌بوم‌ها و اقتصادهای ما را به هم گره خواهد زد.^{۹۰} این ایده‌آل فراتر از خواسته‌های صرفاً آرمان‌گرایانه است. با گره خوردن زیست‌بوم و اقتصاد به یک‌دیگر، بلافاصله می‌توان بر سر راه‌حل‌های فوری به هم‌گرایی دست یافت. از جمله، به حفاظت از پیچیده‌گی‌های سیستم جنگلی خواهیم پرداخت که مانع از آن می‌شود که عوامل بیماری‌زای کشنده با سرایت به میزبان‌های بسیاری بتوانند مستقیماً راهی شبکه‌ی جهانی سیر-و-سیاحت شوند.^{۹۱} یا این که، گونه‌گونی‌های احشام و محصولات کشاورزی را بار دیگر به پروسه‌ی کشاورزی و دام‌داری بازگردانده، و پرورش محصولات و دام را به میزانی در هم ادغام می‌کنیم که بتواند حتّاً در صورت پدیداری عوامل بیماری‌زا، مانع از شدت‌گیری و گسترش جغرافیایی آن شود.^{۹۲} به دام‌ها فرصت تولیدِ مثل در محل داده می‌شود که به معنی بازآغاز روند انتخاب طبیعی خواهد بود، امری که با ایجاد تحول در سیستم ایمنی، ردیابی بی‌وقفه‌ی عوامل بیماری‌زا را به طور طبیعی ممکن می‌سازد. در یک عبارت، با طبیعت و جامعه، که سرشار از تمامی آن چیزهایی است که ما برای ادامه‌ی حیات بدان نیاز داریم، دیگر به عنوان رقیبی که می‌توان آن را در دست‌های مخرب بازار رها ساخت رفتار نخواهد شد.

راه برون‌رفت چیزی کمتر از تولد دوباره‌ی جهان، یا به عبارتی بازگشت به زمین، نیست. این امر قطعاً به ما در حل-و-فصل بسیاری از خطرترین مشکلات موجود کمک خواهد نمود. هیچ کدام از ما که در مرگ عزیزان خود سوگواری، و یا این که در چارادیوار اتاق‌های خود، از نیویورک تا

^{۸۹} Rodrick Wallace, Alex Liebman, Luke Bergmann, and Robert G. Wallace, "Agribusiness vs. Public Health: Disease Control in Resource-Asymmetric Conflict," submitted for publication, 2020, available at <https://hal.archives-ouvertes.fr>.

^{۹۰} Robert G. Wallace, Kenichi Okamoto, and Alex Liebman, "Earth, the Alien Planet," in *Between Catastrophe and Revolution: Essays in Honor of Mike Davis*, ed. Daniel Bertrand Monk and Michael Sorkin (New York: UR, forthcoming).

^{۹۱} Wallace et al., *Clear-Cutting Disease Control*.

^{۹۲} Wallace et al., "Industrial Agricultural Environments."

بی‌جین، گرفتار آمده‌ایم، نمی‌خواهیم که این چنین شیوعی دوباره تکرار شود. واقعیت این است که بیماری‌های عفونی که در طول تاریخ بشر همواره بزرگ‌ترین عامل مرگ-و-میر زودرس بوده، کماکان به عنوان یک خطر عمده برای بشریت باقی مانده است. اما، با توجه به دفتر عوامل بیماری‌زایی که اکنون در گردش هستند، و هم چنین با در نظر گرفتن این که در حال حاضر میزان نشت این عوامل به جوامع انسانی تقریباً از نرخ سالانه برخوردار است، بنابراین احتمال وقوع پاندمی بعدی بسیار زودتر از دروهء یک‌صد سالهء آرامشی است که پس از ۱۹۱۸ شاهد آن بودیم. آیا قادر خواهیم بود که به شیوه‌های برخورد و استفاده از طبیعت به طور بنیادین تغییر ایجاد نموده و به نوعی آتش‌بس با بیماری‌های عفونی برسیم؟

